

شرح رساله حقوق

پیش از این، حق الله، سپس حق الانسان علی نفسه (حق انسان بر خویشتن)، پس از آن حق انسان بر اعضای بدنش که چند عضو مهم را برشمردند و سپس حق برخی از افعال و اعمال و برخی از عبادات را بیان کردیم. حق نماز را توضیح دادیم.

حق حج

حق بعدی که در کلمات امام سجاد علیه السلام به آن پرداخته شده، حق صوم است. البته در برخی نسخه‌ها «حق حج» ذکر شده است. حق حج، به عنوان یک عبادت بسیار مهم، در برخی نسخه‌ها اصلاً وجود ندارد و در برخی نسخه‌ها این حق پس از نماز ذکر شده و در برخی پس از چند مورد دیگر. اکنون ما با این فرض که این حق در رساله موجود است، صرف‌نظر از اختلاف نسخ آن را در ادامه حق نماز ذکر می‌کنیم و این شاید با شباهتی که بین حج و نماز وجود دارد و تعبیری که خود امام سجاد (علیه السلام) فرموده نیز تأیید می‌شود در اینجا شرح مختصری از آن ارائه می‌دهیم:

توضیح اجمالی

«وَحَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ، وَفِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ، وَفِيهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ، وَقَضَاءُ الْفَرَضِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ.» حق حج این است که بدانی آن، ورود به پیشگاه پروردگار تو، و گریزی به سوی او از گناهانت است؛ و در آن، پذیرش توبه‌ی تو و ادای فریضه‌ای است که خداوند متعال بر تو واجب کرده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، تعبیر «وفادۀ الی ربک» در مورد نماز نیز به کار رفته است. حج، وسیله و چیزی است که به واسطه آن، به محضر پروردگار تبارک و تعالی وارد می‌شوی؛ یعنی درگاه ورود به آستان پروردگار است. هم نماز به عنوان درگاه ورود و مرکب سلوک معرفی شد و هم حج. این، همان شباهتی است که از این تعبیر «وفادۀ الی الربک» استفاده می‌شود. باید بدانی که این، ورود تو به آستان پروردگار است.

«فرار إلیه من ذنوبک»؛ گریز از گناهان به سوی پروردگار. گریز از گناه به سمت خداوند تبارک و تعالی. «و فیهِ قبول توبتک»؛ در حج، قبولی توبه و آمرزش گناه است.

«و قضاء الفریضة»؛ و این، انجام فریضه‌ای است که خداوند تبارک و تعالی بر تو واجب کرده و باید به انجام برسانی.

آنچه امام سجاد (علیه السلام) در اینجا به عنوان حقوق حج، به عنوان یک عمل عبادی، فرموده است چیست؟ پیش از این گفتیم که اساساً تصویر حق برای این اعمال، به چه صورت ممکن و مقدور است؟ گاهی از حق یک انسان، حق یک شیء، حق درخت، حق کوه، حق آسمان و حق زمین سخن می‌گوییم. اشیاء می‌توانند دارای حقوقی باشند، اما اعمال عبادی مانند نماز، روزه، حج و جهاد، چگونه می‌توانند دارای حق باشند؟

گفتیم منظور از این اعمال، وجود خارجی خود این اعمال نیست؛ زیرا هر عملی که انسان انجام می‌دهد، هنگامی که وجود خارجی پیدا کند، له حظ من الوجود، اینکه هنوز موجود نشده است. وقتی ما به نماز امر می‌شویم، آن نمازی که باید بخوانیم، هنوز محقق نشده است؛ زیرا اگر محقق شود، امر به آن معنایی ندارد تحصیل حاصل است. بنابراین، منظور این است که نماز یک طبیعت، یک حقیقت و هویتی دارد. حج نیز حقیقتی دارد و صرفاً مجموعه‌ای از واژگان و مفاهیم نیست. این اعمال، دارای حقیقتی، صورتی ملکوتی و واقعیتهایی هستند و آن حقیقت است که دارای این حقوق است. نماز و حج، حقوقی به گردن ما دارند. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَفِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ...» اینکه بدانی حج، مایه ورود تو به آستان خداوند

تبارک و تعالی است؛ حج موجب فرار و گریز به سوی او از گناهان، موجب قبولی توبه است و فریضه‌ای است که خدا بر تو واجب کرده است. جنس حق حج، از جنس علم و معرفت است. در مورد نماز نیز در ابتدا دو حق را ذکر کردند: «أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةُ إِلَهِي رَبِّكَ...» و پس از آن نیز فرمودند که باید بدانی در برابر چه کسی ایستاده‌ای. در اینجا برای حج چهار ویژگی ذکر کرده که شما درباره حج باید این چهار چیز را بدانید. همه از جنس معرفت، علم و آگاهی؛ این است حق حج.

در نماز، پس از بیان آن دو حق، امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: حال که این چنین است، پس تو باید خضوع و خشوع قلبی و عملی داشته باشی و راه کسب خضوع و خشوع قلبی را نیز بیان کردند و فقط به دانستن حقیقت نماز و معبود اکتفا نکردند.

اما در اینجا در مورد حج، به بیان خصوصیات و کارهای عملی خاصی پرداخته و تنها فرموده است: حق حج این است که شما این چهار چیز را درباره‌ی آن بدانید؛ زیرا آغاز هر حرکت، هر پیشرفت و هر تکاملی، مبتنی بر علم و معرفت و آگاهی است. اکنون فرض کنید فردی که به حج می‌رود، حقیقت حج برای او روشن نباشد. آیا این سفر می‌تواند در وجودش تأثیرگذار باشد؟ آیا می‌تواند آن گونه که شایسته و بایسته است از این فرصت عظیم بهره‌مند گردد؟ اگر نداند که حج موجب می‌شود انسان پس از ادای این فریضه، همچون کسی شود که تازه متولد شده است، نمی‌تواند آن چنان که باید از این فیض بزرگ استفاده نماید.

این چهار امری که خود امام سجاد (علیه السلام) در مورد حج بیان فرموده‌اند، می‌بایست به تفصیل و یک به یک توضیح داده شوند. و جالب توجه این است که شاید به مهم‌ترین عناصر و ارکان حج در این بیان اشاره شده است. انتخاب این ویژگی‌ها و عناصر در اینجا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اهمیت حج در قرآن و روایات

پیش از آنکه به توضیح این چهار امر بپردازم، اشاره‌ی مختصری دارم به اینکه حج یکی از مهم‌ترین فرائض الهی است. درست است که در این رساله پس از نماز ذکر شده، اما در برخی روایات، در ردیف نماز از آن یاد شده است.

در قرآن کریم، آیات متعددی پیرامون حج، خانه خدا و اعمال و مناسک آن بیان شده است. آنجا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۱. این آیه، انجام حج را واجب دانسته و ترک‌کننده آن را از زیانکاران معرفی کرده است. می‌فرماید این فریضه بر هر کسی که توانایی دارد واجب است و اگر کسی حج را ترک کند، در واقع به خودش ضرر رسانده است؛ چرا که خداوند از جهانیان بی‌نیاز است. یعنی می‌خواهد بگوید فایده‌ی حج به خود حج‌گزار بازمی‌گردد، نه به خداوند: «إِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».

این اهمیت هم، نه تنها از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بلکه از پیش از آن، هنگامی که ابراهیم علیه السلام بنای خانه خدا را آغاز کرد، وجود داشته است. خداوند به او فرمود: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^۲ خداوند به ابراهیم (علیه السلام) فرمود: همه‌ی مردم را به سوی حج بیت‌الله دعوت کن که پیاده و سواره، از هر راه دور و درازی به سوی تو خواهند آمد. یعنی حج و طواف به بیت از زمان ابراهیم آغاز شده ولی در اسلام با ترتیب و شکلی خاص مورد تأکید قرار گرفته است و از این رو، یکی از مهم‌ترین عبادات اسلامی به شمار می‌رود.

^۱ آل عمران، آیه ۹۷.

^۲ سوره حج، آیه ۲۷.

در روایتی وارد شده که «من مات و لم یحج حجة الاسلام فلیمت ان شاء یهودیا او ان شاء نصرانیا»^۱ اگر کسی حجة الاسلام را به جا نیاورد در حالی که شرایطش را داشته باشد، مرگش به مرگ یهود یا نصرانی است. این به اختیار خودش است، مرگش یا مرگ یهود است و در زمره یهودیان یا در زمره نصرانیان.

روایت معروف امام صادق علیه السلام نیز بر این امر تأکید کرده که اساساً یکی از بنیان‌های دین اسلام، حج است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ»^۲ اساساً اسلام بر پنج پایه استوار است که یکی از آنها حج است. حالا مورد آخر که «ولایت» باشد، آن هم محور است در همه‌ی اینها که آن هم معنای خاص خود را دارد. به هر حال، حج بسیار مهم است.

پس در معرفت حج، ما باید چهار گام برداریم که ان شاء الله در جلسه آینده به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ مستدرک، ج ۸، ص ۱۸.

^۲ الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۸، حدیث ۳.